

هاشمي در برابر دولت يا رهبر ؟

نويسنده : عيسي سحرخيز

سه شنبه ۰۴ شهريور ۱۳۸۷

Tues 26 Aug 2008

كمتر كسي است كه دستي بر آتش سياست داشته باشد و تا كنون به اين نتيجه نرسيده باشد كه هاشمي رفسنجاني عزم خود را جزم کرده است كه اگر حتي شده يك تنه، دولت احمدي نژاد را به زانو در آورد.

و كمتر بازيگر يا تماشگري است كه در صحنه ي سياست حضور داشته يا ناظر بر حركت مهره ها در صفحه ي شطرنج سياسي ايران باشد و اكنون اين نكته را در نيافته باشد كه نقدها و حملات رئيس مجلس خبرگان به دولت، نه از سر انتقامجويي شكست انتخابات گذشته، كه از سر نگراني عميقي است كه از باب آینده ي کشور و نظام دارد كه خود را اصلي ترين ميراث دار اين حاكميت سي ساله مي پندارد.

اين نكته اي است كه طرفداران احمدي نژاد هم خوب دريافته اند و به اين دليل است كه در يك روي بازي سياست حمله به خاتمي و تخريب او به عنوان اصلي ترين رقيب انتخابات آینده شكل گرفته است و در روي ديگر، شكل دادن حمله ي همه جانبه عليه هاشمي رفسنجاني. اما در اين ميان نبايد نقش و جا يگاه رهبري را نيز در ميان اردوگاه اقتدارگرايان خارج از اين بازي فرض كرد.

با اين نگاه است كه هر "تك" هاشمي با "پاتك" گسترده ي طرفداران كاهنده اما مصمم احمدي نژاد مواجه مي شود و روز به روز سنگيني بار بيشتري بر دوش آيت الله خامنه اي مي افتد، كه به خوبي واقف است كه در اين بازي مرگبار باخت رئيس دولت، مي تواند آغازگر دور جديدي از بازي نيمه تمام گذشته باشد در جهت مهار قدرت در ايران و احتمالا تغيير ساختار حقيقي و حقوقي حاكميت.

احتمالا به اين دليل است كه وقتي انگشت اشاره رهبر بر روي ماشه قرار مي گيرد و تيري از لوله ي تفنگ سياست در جهت حمايت از دولت، يا نقد و حمله به معترضان و منتقدان احمدي نژاد شليك مي شود، اعوان و انصار رهبر يا دولت چشم بسته تيرهاي زهردار خود را به هر سو پرتاب مي كنند و براي آن ها چندان تفاوتی هم نمي كند كه چه كسي را هدف قرار داده اند و در چه جا يگاهي و با چه پيامدهايي.

كافي است آيت الله خامنه اي آشكار يا نهان پيام دهد كه: "در اين سال آخر با روييه سال اول كار كنيد. فكر نكنيد كه امسال، سال آخر دولت است؛ نه. مثل كسي كه پنج سال ديگر بناست كار بكند، كار بكنيد؛ يعني تصور كنيد كه اين يك سال به اضافه چهار سال ديگر در يد مديريت شماست. با اين ديد نگاه كنيد و كار كنيد و برنامه ريزي كنيد و اقدام كنيد." تا رسانه هاي حامي احمدي نژاد از منبع بيت المال و سخنگو و همسر محترمش از مخزن اموال ملت بهره جسته، دست به قلم شده و حمله به رقبا و مخالفان احمدي نژاد را با شدت و حدت بيشتري پي بگيرند. كاري كه به صورت غيرمنتظره و بي سابقه اي در پي اظهارات شفاف تر هاشمي عليه دولت در نماز جمعه اين هفته ي تهران صورت گرفت و الهام را واداشت تا در كنار روزنامه هايي چون ايران و كيهان و سايت هاي دولتي مختلف از جمله رجانيوز و شهاب نيوز، آشكارتر لب به انتقاد از رئيس مجلس خبرگان كه وظيفه ي نظارت بر عملکرد رهبري و زير مجموعه هاي تحت هدايت آيت الله خامنه اي را دارد، بگشايد.

غلامحسين الهام با پشت گرمي از سخنانی كه بيش از هميشه بوي حمايت از دولت مي داد و شعف از امكان استمرار آن تا پنج سال آینده، فارغ از حمايت هاي محفلي كاهنده و اعتراض هاي مردمی فزاينده، نه تنها در جا يگاه سخنگو، بلكه در هويت شخصي نيز نسبت به انتقادهاي اخير هاشمي رفسنجاني به عملکرد دولت و كشاندن پاي احمدي نژاد به مجلس خبرگان براي اداي توضيح در خصوص سياست هاي داخلي و خارجي، از جمله برنامه انرژي هسته اي و طرح تحول اقتصادي، واكنش تهديد آميز و توهين آميز نشان داد.

او در جا يگاه سخنگوي دولت، رئيس مجلس خبرگان رهبري را به "دشمني" با محمود احمدي نژاد متهم كرد و از وي خواست براي انتقادهاي خود عليه دولت "حجت شرعي" ارائه كند.

وي که براي حملات خود به رئيس "مجمع تشخيص مصلحت نظام"، طبيعيتاً در جاىگاه دولتي با محذوريتهاي رسمي و قانوني مواجه بوده است، در هويت شخصي اما با بهره برداري از رسانه ي دولتي ايران، سخنان نيش دار و کنايه آميز خود را اين گونه دسته بندي کرد:

۱- دشمني با دولت آقاي احمدي نژاد بر چه پايه اعتقادي و سياسي مبتني است و بر محور کدام مصلحت نظام استوار است. طبيعى است که امام جمعه موقت و رئيس مجلس مجتهدان (خبرگان) براي رفتار خود بايد حجت شرعى داشته باشند.

۲- آيا اين نگاه با جهت گيري مقام معظم رهبري يکي است گوينده پايان دهنده به روش مدارا، رئيس مجلس خبرگان رهبري است و توجه به همگوني مباني او با مباني رهبري، موضوع بسيار مهمي است که نمي توان از کنار آن گذشت! اگر مباني يکي است، اين همه تفاوت از چه روست اگر تا اين حد متفاوت است، خبرگان را چه خواهد شد.

۳- اگر اين سخنان نه از سوي رئيس مجمع تشخيص و رئيس مجلس خبرگان و امام جمعه موقت که از سوي يك رقيب انتخاباتي است، تفکيک اين جاىگاه ها از يکديگر و تفکيک شخصيت واحد و قبول اعتبارات مختلف براي يك فرد را بايد قائل شويم. در آن صورت آيا چنين تفکيک شخصيتي با عدالت که لازمه دو حوزه خبرويت اجتهادي مجلس برگزيننده رهبري و خطيب جمعه است، مغاير نخواهد بود.

اگرچه هيچ شک و شبهه اي براي سران جبهه ي از هم پاشيده ي اقتدارگرايان وجود ندارد که نام هاشمي رفسنجاني به هيچ وجه در ليست نامزدهاي انتخابات رياست جمهوري دهم قرار ندارد، اما رسانه هاي اصلي حامي دولت نيز از جمله کيهان و ايران که اکنون کيهانيان آن را مي چرخانند، سخنان رئيس مجمع تشخيص مصلحت نظام را "تبليغات انتخاباتي" خوانده اند.

واکنش هايي که چنان آش را شور کرده است که صدي آسپز و حامي اصلي دولت احمدي نژاد در مجلس هفتم را در آورده و او را به بيان اين موضوع واداشته است که از يك سو بگويد انتقادهاي هاشمي رفسنجاني به سياست هاي اقتصادي دولت درست است و از سوي ديگر اثبات کند به کارگيري شعار "ضد ولايت فقيه" در مورد هاشمي رفسنجاني مصداق ندارد:

- "هاشمي نقدهايي به دولت کنوني در زمينه فراموش شدن برنامه چهارم توسعه و چشم انداز ۲۰ساله، نبود برنامه راهبردي و مسائل اقتصادي دارد که بعضي از اين نقدها مورد قبول ما است".

- "ايشان چهره بي ولايي است. او نسبت به مقوله ولايت فقيه و مصداق آن جزء وفادارترين مسوولان کشور است... شهادت مي دهم هاشمي رفسنجاني در اعتقاد و باور به ولايت فقيه هيچ چيزي از رئيس سابق مجلس خبرگان کم ندارد... اگر ايشان ذره بي مشکل با ولايت فقيه داشت، مي توانست از قدرت خارج شود".

اما نکته ي درخور توجه اين است که هاشمي فارغ از آن حملات، يا اين حمايت ها گويا دارد يك تنه ماموريت تعيين شده براي خود، از جانب خويش، را دنبال مي کند و حتي توجه چنداني به اين مسئله ندارد که اين روزها فاصله اش با شخصيت ها و احزاب اصلي پيرو و حامي اش چون "کارگزاران" و "اعتدال و توسعه" روز به روز بيشتري شود، به گونه اي که دوست روزنامه نگاري چند روز پيش به طنز به يك عضو روزنامه نگار کارگزاران مي گفت: "گويا هاشمي اين روزها بيشتري با سازمان مجاهدين انقلاب هم راي و هم نظر است تا حزب شما"! واقعي که کمتر کسي با عنايت به مواضع اين روزهاي هاشمي مي تواند آن را کتمان کند.

اما پرسش اصلي اين است که چه شده که رئيس مجمع تشخيص مصلحت نظام که سه دهه شهره به "مرد لابي پشت پرده" بوده است، پيرو شفاف سازي و نقد آشکار دولت و حاکميت گرديده است؟ پاي چه مصلحت مهمي در ميان است که او را وادار کرده تا آنچه را همواره پيش از اين در حسينييه امام خميني، در گفت و گوهي خصوصي با آيت الله خامنه اي، در خفا مطرح مي کرده است به سطح جامعه بکشاند؟ آيا مسئله و دغدغه ي يارغار بنيانگذار انقلاب، تنها شخص احمدي نژاد يا عملکرد فاجعه آميز دولت اوست يا گمان مي کند که مشکل و معضل ملت و مملکت جاي ديگر، و فراتر از اين حرف هاست؟